

این تجارت شوم و این زراعت
نکبت آور، چندان توسعه و نفوذ در
طبقات مردم ایران یافت که صغیر
و کبیر و برنا و پیر در دام تریاک
اسیر افتادند و حتی برای آرام
کردن اطفال و خواباندن آنان،
بدانها «کیف» می دادند یعنی
مقداری تریاک به اندازه ماش!

ماجراهای منع تریاک

دکتر عبدالحسین نوایی

تریاک یا صورت عربی شده آن،
«تریاق»، اصلاً به معنای «پادزهر» است،
یعنی دارویی که برای جلوگیری از
مسمومیت به کار می رود، خواه مسمومیت
ناشی از خوردن داروهای زهرآگین، خواه
مسمومیتهای برخاسته از نیش حیوانات
زهردار؛ چنان که شیخ شیراز، افصح
المتکلمین در گلستان می فرماید: «تا تریاق
از عراق آرند، مار گزیده مرده باشد»^(۱). اما
آنچه امروزه از کلمه تریاک مورد نظر است،
همان ماده گیاهی گرفته از خشخاش است که
در جهان پزشکی از آن به نام «اپیوم»
epium یاد می شود و ما آن را افیون می نامیم. این
کلمه در ادب فارسی نیز به صورت «افیون»
و «هپیون»^(۲) آمده است؛ کما این که در
دیوان ناصر خسرو می خوانیم:

«چه حال است این که مدهوشند یکسر

که پنداری که خوردستند هپیون»
و در جایی دیگر، باز همین ناصر خسرو
علوی قبادیانی یا به اصطلاح تاریخی،
«حجت جزیره خراسان» می فرماید:

«ای خفته بر علوم فلاطونی

این تاج علمهای فلاطون است
آن فلسفه است و این سخن دینی
این شکر است و فلسفه هپیون است»

اما بیشتر این کلمه را به همان صورت برگرفته از یونانی، یعنی «افیون» به کار برده‌اند. در شرح حالات سلطان احمد جلایر، در کتاب «احسن التواریخ» حسن یک روملو می‌خوانیم:

«دماغی داشت از افیون مشوش

از آن رو قول و فعلش بود ناخوش
به واسطه مداومت بر افیون و غلبه
جنون، امرا و ارکان دولت را بی‌تقریب به
قتل آوردی (۳).»

لسان الغیب، حافظ شیراز نیز می‌فرماید:

«از آن افیون که ساقی در می‌افکند

حریفان را نه سرماند و نه دستار»
اما در تاریخ بیهقی، این ماده مخدر را با همین نام «تریاک» به معنای «افیون» می‌بینیم؛ آنجا که سخن از شکست مسعود غزنوی در برابر ترکمانان سلجوقی است، یعنی جنگ دندانتان است بدین گونه: «از اتفاق عجیب که نمی‌بایست طغول گرفتار آید، آن بود که سلطان [مسعود] اندک تریاکی خورده بود و خواب ناتمام یافته، پس از نماز خفتن، در پشت پیل به خواب شد و پیلبانان چون بدانستند، زهره نداشتند پیل را به شتاب راندن و به گام خوش خوش می‌راندند و سلطان خفته بود تا نزدیک سحر و فرصت ضایع شد که اگر آن خواب نبودی سحرگاه بر سر طغول بودی (۴).»

و بدین سخن، ظاهراً بیهقی به ظریفترین صورتی می‌خواهد بگوید که دولت غزنوی به شومی «اندک تریاکی» به پایان آمد و سلطان مسعود بر اثر خواب ناشی از تریاک، نتوانست طغول را غافلگیر کند و در نتیجه در برابر دشمن هوشیار و بیدار، شکسته شد. اما این سلطان مسعودی که بیهقی مجلس شرباش را وصف می‌کند که همه مجلسیان از مستی از پای درآمده بودند و او همچنان نشسته بود و شراب می‌خورد، مسلماً کارش با اندک تریاکی نبوده بلکه تریاک بسیار بوده که بدن

دقیقاً روشن نیست که از چه زمانی و به دست چه کسی، مصرف تریاک با وافور و چراغ و نگاری و امثال آن به ایران آمد، هر چه هست، این نوع مصرف، سوغات چین است که از راه هند به ایران رسیده است.

مصرف تریاک کشیده شد؛ چنان که «تاورنیه» در مورد شربت تریاک - که ظاهراً جوشانده پوست خشخاش بوده - می‌نویسد «کسانی که به قهوه‌خانه می‌رفتند، در وقت ورود، همه زرد و پریده رنگ و اخمو و زار و نزار بودند، اما همین که جامی برمی‌گرفتند، شاد و شنگول می‌شدند و سرانجام در هنگام خروج، همه با لپهای گل انداخته و رخساره‌های خندان و قیافه‌های خوش و شاد و سرمست (۵).»

دقیقاً روشن نیست که از چه زمانی و به دست چه کسی، مصرف تریاک با وافور و چراغ و نگاری و امثال آن به ایران آمد، هر چه هست، این نوع مصرف، سوغات چین است که از راه هند به ایران رسیده است.

آنچه محقق است که از اواخر صفویه، بر گستردگی میزان مصرف آن افزوده شده است که این مبحث نیز نیازمند تحقیق دقیقتری است. اما در هر حال می‌دانیم که در دوره قاجاریه، این گسترش دامنه کشت و کثرت خیل مریدان صورت گرفته و آن هم در زمانی که دولت، به خیال خود برای تهیه ماده قابل صدور به خارج، دست به کشت تریاک زد!

می‌دانیم که از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری - که ایرانیان با اروپاییان حشر و نشر پیدا کردند - بی‌آن که به علم و هنر و دانش و بینش و کار مداوم و استقامت در پیشبرد اندیشه و صنعت و تمدن غربیان بیندیشند - به ظواهر دلفریب فرنگ دل باختند و در لباس و غذا و اثاث البیت و خلاصه زرق و برق زندگی و مد، تقلید از فرنگی کردند و دیوانه‌وار، به محصولات و کالاهای فرنگ - نه آنچه لازم و ضروری بود بلکه آنچه دلفریب و ظاهرپسند بود، روی آوردند و دنبال بنجلهای فرنگی رفتند و سال به سال بر میزان این واردات بی‌حساب و کتاب افزوده شد، بی‌آن که در مقابل این همه واردات از مرزهای بی‌در و پیکر، چیزی

پیلواری را چنین از پا درآورده بود.

باری از مطالب تاریخی و مباحث لغوی که بگذریم، یک نکته بروشنی نمودار می‌شود که در آن روزگار تریاک را می‌خوردند یا در شراب حل می‌کردند نه چونان امروز که تریاک را با وافور می‌کشند گو این که در سنوات اخیر، در هنگام تنگدستی، معتادان تریاک را می‌خوردند و نمی‌کشیدند که البته برای صرفه‌جویی در «جنس» بود و احتراز از دم و دود که هم موجب برانگیختن همسایه است، هم باعث ایجاد سوءظن پلیس.

بنابراین خاصیت تریاک را قدما خوب می‌دانستند و خواص آن را بدرستی می‌شناختند و به نظر می‌رسد که تریاک کهنترین مسکنی است که بشر به وجود آن پی برده است و مسلماً از همان روزگار باستان، دانشمندان بر اسرار این ماده سحرآمیز - که در پزشکی بسیار سودمند و در بیرون از موازین طبیبی خانمان برانداز و حتی کشنده و زهرآگین است - وقوف یافته بودند.

نکته دیگر این که تا پیش از روزگار صفویان، مصرف تریاک به عنوان مخدر و مکثف، بسیار اندک بود و مصرف کنندگان از طبقات مرفه بودند و بی‌غمان ثروتمند. تا این که بتدریج پای طبقات پائین تر جامعه به

داشته باشیم که صادر کنیم. سهل است که کارگاههای پارچه‌بافی ایران مثل مخمل کاشان و شال کرمان و ابریشم گیلان، در برابر سیل پارچه‌های فرنگی تعطیل شد و صنعت ملی از میان رفت. برای آن که در برابر این واردات، جنس قابل صدوری داشته باشیم، دولت و ملت به اندیشه کشت تریاک افتادند^(۶)؛ که هم محصولی کم‌زحمت و زود ثمر بود، هم مورد نیاز و رغبت اروپا - که از آن در جهت استفاده از خواص طبی‌اش سود می‌جستند.

بدین ترتیب بود که همه روی به تریاک آوردند و تجار ایرانی در هنگ‌کنگ و شانگهای «حفیس» تریاکی^(۷) «یعنی دفاتر خرید و فروش تریاک باز کردند»^(۸) و کوتاه سخن آن که به نوشته کرزن، در سال ۱۲۹۷، زراعت خشخاش توسعه یافت و مقدار تریاک در سال ۱۳۰۲ به دوازده هزار تن یعنی چهار میلیون من رسید، و در سال ۱۸۹۹ درآمد ایران از این محل به ۱/۹۰۰/۰۰۰ تومان رسید؛ در حالی که کل صادرات ایران، ۷/۴۰۰/۰۰۰ تومان بوده^(۹) و این تجارت شوم و این زراعت نکبت‌آور، چندان توسعه و نفوذ در طبقات مردم ایران یافت که صغیر و کبیر و برنا و پیر در دام تریاک اسیر افتادند و حتی برای آرام کردن اطفال و خواباندن آنان، بدانها «کیف» می‌دادند یعنی مقداری تریاک به اندازه ماش!

این وضع همچنان ادامه یافت تا این که در سال ۱۳۰۷ ه. ش، تازه دولت وقت به صرافت افتاد که باید برای نجات مردم دست به کاری زند و از توسعه این امر جلوگیری کند؛ چنین بود که قانون انحصار تریاک از مجلس گذشت.

البته نباید تصور کرد که دولت برای نجات مردم از چنگ اعتیاد به مواد مخدر، دست به چنین کاری زد. بلکه نظر دولت در طرح این لایحه، گرفتن تجارت تریاک از

تریاک یا صورت عربی شده آن، «تریاق»، اصلاً به معنای «پادزهر» است، یعنی دارویی که برای جلوگیری از مسمومیت به کار می‌رود، خواه مسمومیت ناشی از خوردن داروهای زهرآگین، خواه مسمومیت‌های برخاسته از نیش حیوانات زهردار؛

دست تجار داخلی بود برای تقویت بنیه مالی خود. به این معنی که چون تریاک ایران از لحاظ اشمال بر میزان مرفین بیشتر، نسبت به تریاک ترکیه یا افغان، مشتریان نقد و پابرجایی داشت؛ دولت می‌خواست که عواید آن منحصرأ به مالیه دولت اختصاص یابد؛ کما این که چندی بعد، موضوع انحصار دخانیات پیش آمد و کلیه کسانی که به صورت صنعت خصوصی سیگار تهیه می‌کردند - چون پای رقابت در میان بود، هر شرکتی سعی می‌کرد که سیگارهای بهتری عرضه کند و سیگار زهره و سیگار نکونی، متناسب مرغوبیت خود، شهرتی کسب کرده بودند - مجبور شدند که کار سیگار را رها کنند و به دست دولت سپارند؛ و این کار نه برای جلوگیری از اشاعه سیگار بلکه اخذ کلیه عواید حاصل از ساخت و توزیع فروش سیگار بود. چنان که دولت انواع و اقسام سیگارهای بی‌کیفیت و نامرغوب به بازار عرضه کرد که بعضی از آنها مثل «فومن» و «اشنو» چنان تند و بدبو و سختکش بود که مردم، بحق، آنها را به شوخی «دیزلی» می‌گفتند یعنی دارنده دودی به تندی و بدبویی دود کامیونهای دیزلی.

از ماده اول این قانون، نظر دولت در مورد استفاده منحصر از تجارت تریاک روشن می‌شود:

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون، کلیه معاملات و نگاهداری و انبار کردن و تیاری کردن و حمل و نقل و صدور تریاک و شیره و چونه، اعم از مصرف داخلی یا خارجی منحصر به دولت است این انحصار موسوم به «انحصار دولتی تریاک» خواهد بود.

اما موقع طرح این ماده، عده‌ای از وکلا، من جمله تقی زاده، پیشنهادهایی در مورد تقلیل تدریجی مصرف تریاک داخله دادند که در نهایت به ریشه کن کردن مصرف و جلوگیری از اعتیاد بیشتر می‌انجامید و وزیر دارایی در کل، آنها را پذیرفت ولی اظهار داشت که مجموع نظرات وکلای مجلس را به صورت ماده‌ای جداگانه (نه همراه ماده اول) در قانون خواهد گنجاند و در نتیجه، ماده ۱۵ قانون مزبور، بدین صورت طرح و تصویب شد:

ماده ۱۵ - دولت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال، وسایل ترک استعمال تریاک را در داخله مملکت (طیب و دوی مجانی) در دسترس معتادین فراهم نموده و اعتبارات لازمه اجرای این منظور را به مجلس ملی پیشنهاد نماید و مصرف داخلی را از ۱۳۰۸، در هر سال، یک عشر کسر کند تا این که در انقضای مدت مزبوره، استعمال تریاک در غیر موارد طبی، در تمام مملکت متروک و ممنوع گردیده و فروش تریاک در موارد طبی به موجب نسخه طیب به عمل آید.

تبصره - مؤسسه انحصاری برای ورود تریاک از خارجه، هیچ اجازه نخواهد داد مگر آن که اطمینان حاصل نماید که به مصرف داخلی نخواهد رسید.

این قانون، در سه‌شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ به تصویب رسید و شروع مذاکرات مجلس و متن پیشنهادها نمایندگان در روزنامه اطلاعات، بتفصیل آمده است.

اما کدام معتادی است که به یک سخن

دولت دیگر دست بدین کار نزنند. مردمی که نزدیک یک قرن، بدین ماده خطرناک، آلوده شده بودند و گاه از آغاز کودکی ناخواسته در کنار منقل وافور یا چراغ شیره و نگاری پدر یا مادر یا هر دو نشسته و از طفولیت با بوی تریاک خو گرفته بودند، چگونه می توانستند به محض آن که قانون انحصار تریاک از مجلس گذشت، اعتیاد خود را رها کنند، آن هم بدون داشتن حداقل بیمارستان و دوا و دکتر و تبلیغات صحیح و تعلیمات کافی. از اینها گذشته، از لحاظ گردش کار هم دشواریهای فراوان پیش آمد که در هنگام وضع قانون، اصلاً بدان نیندیشده بودند یا بدان بها نداده و از آن سر به آسانی گذشته بودند؛ بدین ترتیب:

۱ - جمعی از تجار، از پیش، یعنی، از ماهها قبل از تصویب قانون، سفارشهایی قبول کرده بودند و می بایست در مدت معین، به تعهد خود وفا می کردند و جنس را در موقع تحویل می دادند، ولی پس از تصویب قانون، دیگر دستشان بسته مانده بود و نمی توانستند اقدامی کنند. درست است که در قانون مقرر شده بود، جواز بدهند به چنین افرادی، اما مقررات آن قدر دست و پاگیر و جواز گرفتن به حدی سخت و وقتگیر بود که تجار نمی توانستند بموقع تعهد خود را در مقابل مشتریان خارجی خود به انجام برسانند. گو این که گرفتن جواز هم ساده نبود و بیمایه فطیر می نمود، می بایست همه جا سبیل مقامات چرب و خمر کریم نعل می شد و این خود تکلیف و تحمیل تازه ای بود برای تاجر که چون پیش بینی نکرده بود، می بایست از جیب خود می داد و نمی شد گوش مشتری را برد.

۲ - مردمی که به این سم جانسوز معتاد شده بودند و تا دیروز همه نوع تریاک در صورتیهای مختلف «لول» و «چونه» و «سوهان» و «حبّه» مالیده و نمالیده، در دسترس داشتند، نمی توانستند گرفتن جیره

چون تریاک ایران از لحاظ اشتغال بر میزان مرفین بیشتر، نسبت به تریاک ترکیه یا افغان، مشتریان نقد و پابرجایی داشت؛ دولت می خواست که عواید آن منحصرأ به مالیه دولت اختصاص یابد؛ کما این که چندی بعد، موضوع انحصار دخانیات پیش آمد

روزانه را تحمل کنند، آن هم جیره مختصری که روزی به دست می آمد و روزی نمی آمد! لاجرم اینان به آه و ناله پرداختند و با عریضه و شکوائیه از بخت بد و تنگی معاش، «عارضی» شدند و در خانه میر و وزیر و سلطان رفتند و دست به دعا و نفرین برداشتند.

۳ - در قانون پیش بینی شده بود که اگر معتادین، در مهلت مقرر، ترک اعتیاد نکردند - که هیچکس نکرد - جریمه نقدی شوند و اگر جریمه را نپرداختند به زندان افتند؛ یعنی پلیس آنان را جلب کند و به زندان ببرد و تحویل بدهد. اما نه جایی در ادارات نظمیّه (شهربانی) برای این زندانیان انبوه جدید داشتند نه بودجه ای برای شام و ناهار آنان منظور شده بود، نه شمار پلیس برای جلب این «زندانیان اعتیاد» کفایت می کرد.

۴ - بر اثر کشت مداوم و توسعه روزافزون تریاک و تقنن افراد در استعمال مواد مخدر برحسب ذوق و سلیقه خود، مصرف این ماده به صورت کشیدن و خوردن، در اشکال مختلف وافور، نگاری، چراغ؛ مشاغلی نکبت بار پدید آمده بود مثل زارع و تیغزن و تریاک مال و شیره پز و ساقی و تریاک گیر و خانه دار و قهوه چپی و خرده فروش و تاجر؛ و جمیع کثیری در این راه کار می کردند و خانواده های فراوانی از این قبل نان می خوردند، و بدیهی است که با تصویب

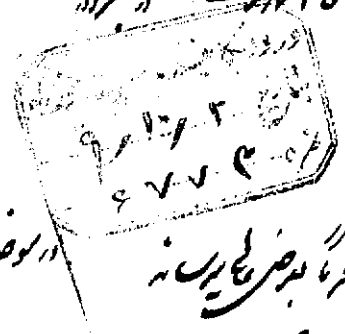
قانون، همه این افراد، کار خود را - هر چند که شایسته و محترم نبود - از دست می دادند و در نتیجه، زنان و فرزندان آنان گرسنه و بی لباس و بلکه بیخانه و خانمان می ماندند و چون کاری دیگر نداشتند و حرفه ای نمی دانستند، به تلاش و تکاپو و نامه پراکنی افتادند و عرصه را بر دولت و دولتیان تنگ کردند و بسیاری از آنان، دست به گدایی یا دزدی زدند و جمع آوری این گدایان و دزدان، خود شکل تازه و عمده ای شد که بلدیّه (شهرداری) و وزارت داخله (کشور) از فیصله کار آنان، عاجز ماندند.

اینها و بسیاری از مشکلات دیگر موجب شد که امر انحصار و تقلیل و تحدید و منع تریاک و مواد مشتق از آن به جایی نرسد و دولتها برای تحقق این امر، بناچار، هر چند سال یک بار، دست به تغییراتی در قانون از لحاظ مقدار جیره تریاک و مهلت و مجازات دست می زدند اما با هر تغییری، اشکالاتی تازه پیدا می شد و سر و صداهای تازه تر؛ و این قصه پرغصه، سالیان دراز ادامه یافت تا این که در انقلاب اسلامی، به صورتی قاطع با امر تریاک و مشتقاتش برخورد شد و با فراهم آوردن وسایل لازم از قبیل درمانگاه و بیمارستان و دکتر و دارو و بسا کمک گسرفتن از روانشناسان و جامعه شناسان و مددکاران، به قطع کشت خشخاش و معالجه بیماران همراه با پیگیری، بدین امر پایان داده شد، خدا یارشان باد.

اسنادی که در ذیل می آید، اسناد گوناگونی است مربوط به مراحل مختلف و چگونگی برخورد مردم و مسئولین. سندی هم بر آن افزودیم، در خصوص طرح مسئله تریاک در کنفرانسهای بین المللی و نظر دولت ایران در مورد طرح این مطلب، و سندی هم راجع به محاسبه عشور یعنی نگهدارندگان حساب درآمد دولت از مقدار جنس (تریاک) زارع.

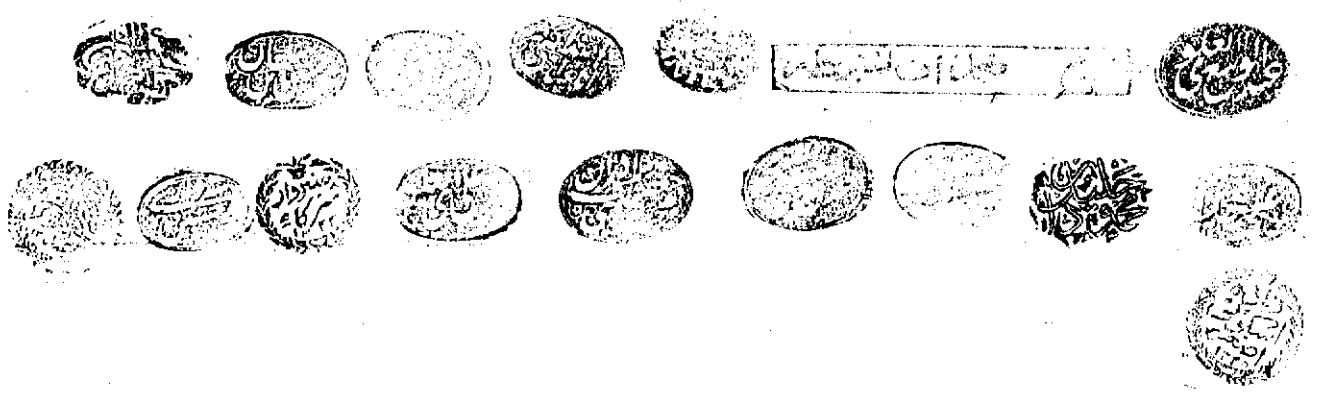
تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۰۹

تعمیر مسجدهای تبریک در راه عظام دکان



مورثه حضرت عباس علیه السلام در موضوع انحصار تبریک بر مسجدهای تبریک در راه عظام دکان و دولت آنرا از خدمت حضرت

در امر تعمیر مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که در این مسجدها
در این روز خفیه عمده است تعمیرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
در این روز خفیه عمده است تعمیرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
تقاضای جهت اجاره طیاره جهت وصول در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
برگردد باینکه باید در مرکز ایالت تعمیرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
تمام مسجدها را فرا گرفته و یک قلم عمده صادرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
موجود فرموده و اجاره عمده باینکه باید در مرکز ایالت تعمیرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
در مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
که بر عین منافع عمومی اقدام در تعمیر مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
بجای فرجه دار است تعمیرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
یا در ایالت تعمیرات مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
در مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
لیکن تمام اجاره طیاره جهت وصول در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
جواب مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که
در مسجدهای تبریک در راه عظام دکان که در ان فرجه دار است قبل از اصلاح شده تاکنون موجود است بقدری که





وزارت پایه

مؤسسه انحصار دولتی تبریک

شماره سند ۲۴۹۷۵ مورخه ۱۸/۹/۱۳۰۹ وزارت پایه که اصل آن بنمیره ثبت شد

ره ۰۳-۰۲ وزارت پایه

ترکیت سعادت و سایر آتایان کمال تبریک میمند

در جواب مکاتبات مورخه ۱۰ آذر آتایان دانر تبصره اصین خروج تبریک چون که بهر صدور بنامه تهیه نموده اند بهر
 که اگر سعادت یزده چون در دهمه مملکت آزاد و بیگانه اجبار نبودن بشخص معین نیست در موقع انعقاد قرار
 نه تنها آتایان کمال میمند بلکه سایر آتایان کمال مملکت نیز در این مورد در چگونگی بهم که اگر سعادت یزده آتایان
 ز سر بلندی تا ۱۵ روز اینک در دربار کمال را با کمال برادر در این باره و تصدیق صحت معامله و اخبار صدور
 دلخواه بنا بر قیاس اگر شایسته باشد و داده باشید البته پس از رسیدگی بنا جواز و دلخواه میوند و الله در آنجا
 اعلیٰ معذرت است و اینکه اظهار کرده اند سعادت تبریک آنگاه و طوری نیست که بهر در قرار داد و توافق
 در صدور سکنه معادله قرار داد و نیز کمال سعادت از حیث سعادت سلف بر این قرار است و اگر برای تالی
 چیزی ضایع کرده اند از زمین ترفقه در قسمت خبر شایسته افزوده شد است و مملکت سعادت ترفقه شایسته
 دانگر بر این صدور و تهیه آتایان حاج امین علم کمال صدور تبریک بنامه در مورد و کور است

برادر لطافت امیر
 کمال سعادت
 ۱۳۰۹/۱۰/۲۷

ایشان و سایر خروج تبریک را فراموش نماند - وزارت پایه
 امین سعادت

عزلیند بخالی جوارسی ایلیحضرت شهرداری اردنخاند

باکمال ادب و احترام معروض میدارم تجارتخانه ای چاکران قبر از تصویب قانون انحصار تریاک بر که ام تصداری
 مسافه و کثرت نموده ایم پس از تصویب قانون انحصار دو نفر از روسی تجارتخانه برای ارائه اسناد و کتبات
 آمدند و در همان اوقات بخالی ای مبارک تشریف فرما در مراسم طوکانه واقع گردیدند تاکنون که قریب چهار ماه است
 هستند و علاوه بر اینکه از نمودن آنها در پوشه خسارت زیادی به تجارتخانه ای چاکران وارد آمده هنوز از طرف
 حلیله ایله جوار صدنی به آنها داده نشده و همین قسم در طهران عطف شده است انحصار با تحقیقات کمال تصدیق
 به صحت مسلات فرود است و له وزارت حلیله ایله جوار نداده و مسلات چاکران دوچار دقت و موجب خسارت
 غیر قابل تخریب شده است - از علیحضرت میاوی که گمانه پدر تا جداره ما استند و دقیقه از رعیت پروری
 استعدای چاکران ای است که امر طوکانه صادر فرمایند که وزارت مالیه زیاده بر این آنها را در طهران
 و جوار صادر فرماید - چاکران در این مسلات که نموده ایم فقط مبلغ جزئی در حد و حق بصیرت تجارتخانه
 و تکیس مسخه دتی یکصد و پنجاه تریان هم میپردازیم و چنانچه بنا شود که تا کس جدید مسنده دتی پنج تریان
 برسد بهای آنکه سب کرده ایم تخمین شود که شش از یک جزئی فایده که عاید میشود از این میرود و خسارت
 سزای این چاکران سیکر دو یقین داریم علیحضرت میاوی را رضی نخواهد بود که یک عده تا جریمه در خانه
 شریک شهروان است یکشنبه در رجبات صد در مال التجاره ایران را فراهم و عایدات خوانند
 زیاد یکشنبه ضرر و خسارت دارد شود چاکران بیچ پهای جزوات قبرس میاوی نمی ندایم و
 مراجع طوکانه را داریم - طرفت خسردانه بر مسارق انام مستدام در لایزال

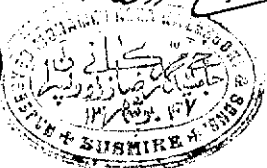
۲ - ۱۰ - ۲۶

در ارتکاب

۱۰/۱۳۰۷
۴۵۱۴۵

مراجه طوکانه را داریم
 طرفت خسردانه بر مسارق انام مستدام در لایزال
 مراجع طوکانه را داریم

۸۲۹۴
۱۳۰۷/۱۲/۲۴



۷/۱۰/۲۲

۱۸۹۱۷



تاریخ: ۱۳۰۹ ماه ۱۱/۱۰
 شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 موضوع: ...

وزارت مالیه

اداره تریاک

مقام منبع ریاست وزراء عثمان

اداره کابینه

دایره

مقام منبع ریاست وزراء عثمان

تاریخ: ۱۳۰۷ ماه ۹
 شماره: ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 موضوع: ...

وزارت مالیه

اداره کابینه

دایره

موضوعه: محتومه نبره (۵۳۱۸) راجع باقایان حاج سید ابوالقاسم کاربرونی و حاج محمد رضای سهمانی موضوعی حاصله تریاک و مصطلبی آنها شفاء و وصول داد جواریا خاطر محترم را مستحضر مداره که موسسه انحصار تریاک مدتی است نسبت بتقاضای آقایان اظهار عقیده و موافقت کرده است و اینجاب استحضار همگت محترم دولت را در این موضوع لازم دانسته و علت تاخیر همین بوده است.

۵۷۳۲
 ۷/۱۹/۱۰

۵/۱۱/۱۰
 ۷/۱۹/۱۰

۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

در جواب مرقومه نبره ۱۰۰۶ = ۱۷۷۲ = ۰۹۱۰۶۶ متضمن مشروحه تجارت سیروار را جمع بدم صدر جواریا اجازه تیارایی خا طریحه مترام مستحضر میدارد .
 ۱ = راجع بدم صدور جواز سرداد مر اسله که بنبره ۲۷۰۰۲ = ۰۹۰۶۱۸
 به تجار خراسان صادر شده برای مزید استحضار خا طریبارک لفاً تقدیم میدارد .
 ۲ = نسبت بقسمت عدم اجازه تیارایی با اینکه رئیس انحصار خراسان که بموجبی بظهور ان امله اظهار می نماید اجازه تیارایی در سیروار داده شده معذک مراتب از انحصار دولتی تریاک خراسان استعلام شد پس از وصول جواب چگونگی نمیه راهم عرض خواهد شد داشت در خاتمه عین عرض حال اتایان تجار سیروار را نیز افاده مدهم



۹۱۱۶
 ۹۱۱۶
 ۹۱۱۶

۹۱۱۵
 ۹۱۱۶

۹۱۱۲
 ۹۱۱۲
 ۹۱۱۲

چاکر محمد جواد تاجریزدی مدت شش سال است به واسطه نرسیدن جواز ده من تریاک از موجودی انبار تحدید، مال جان نثار که سر مهر و پلمب ادارات گمرک و تحدید بوده و توسط پست دولتی حمل شده و خروج آن را هم جمعی از رؤسای دوائر و اجزای ایشان تصدیق نموده‌اند، از غرض هادی خان مفتش خراسان گرفتار ظلم تحدید هستم. تازه دو روز است به نظمیّه محبوس و مریض. چون شرح و تفصیل طولانی است استدعا از خاکپای مبارک دارم اجازه دهید عدلیّه یا رؤسای دوائر مجتمعاً رسیدگی کرده چاکر را از این مهلکه خلاص نمایند تا به آسودگی مشغول دعاگویی ذات مقدس همایون بوده باشم.

چاکر جان نثار محمد جواد تبریزی تاجر

مهر: محمد جواد

شیر و خورشید

به تاریخ ۲۹ برج ۵ سنه ۵

وزارت مالیه

نمره ۱۰۳۳۳ ضمیمه اوراق

اداره عایدات

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام

تعقیب معروضه نمره ۸۷۶۱/۹۶۷۹ مورخه ۲۵ تیرماه و در جواب شکایت واصله از آقا محمد جواد و حاج علی اصغر یزدی توسط آقای طوسی که به نمره ۴۴۹۳ برای اقدام به این وزارت خانه ارجاع شده با اعاده اوراق عرض حال خاطر مبارک را قرین استحضار می‌دارد که مطابق راپرت واصله از اداره مالیه ایالت خراسان، حاجی محمد جواد در دلو ۱۲۹۸ مطابق مقررات نظامنامه تحدید برای مقداری تریاک که جواز برای حمل به خارجه صادر نموده سند وجه الضمانه به مبلغ ۶۷۰۰ قران به اداره مالیه سپرده که پس از خروج تریاک و تصدیق رئیس گمرک سرحد جواز تصدیق شده را به اداره مالیه تسلیم و سند وجه الضمانه را مسترد دارد. اما مطابق کشفیات مأمورین گمرک، مشارالیه به جای تریاک مقداری سنگ آلوده به قراقروت خارج کرده که در نتیجه تعقیب و تفتیش سواران تحدید و گمرک عین سنگها را که در زیر ظرف پنهان کرده بوده‌اند بیرون آورده و پس از تحقیقات از مشارالیه، رئیس گمرک به واسطه عدم خروج تریاک و مصرف شدن در داخله به طور قاچاق، از تصدیق جواز خودداری و اینک مطابق ماده ۷ نظامنامه تحدید مطالبه وجه الضمانه می‌شود و چون مشارالیه فراری و برای تأدیه دین خود حاضر نمی‌شده است اداره مالیه محل مال الاجاره یک باب خانه او را توقیف نموده که حاضر شود عمل را تصفیه نماید. اینک حاجی علی اصغر برادر مشارالیه مدعی است که خانه متعلق به او و راجع به آقا محمد جواد نیست. لکن تاکنون مدارک و اسناد مثبتی در صحت ادعا و اثبات مالکیت خود ارائه نداده است. مستدعی است مقرر فرمایند اسناد مالکیت خود را در اداره مالیه ایالت خراسان برده ارائه دهد. در صورتی که ثابت نماید خانه ملک مشارالیه است البته رفع توقیف خواهد شد.

مهر: وزارت مالیه

مواد شرح فوق در جواب مراسله آقای طوسی ارسال شود ۳۰ - ۵/۶/۱۶

اداره عایدات دائره وصول

فی ۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۴۵

۵/۹/۲۷

۵/۹/۲۷

۳۸۸۸۷

به خاکپای جواهر آسای اعلیٰ حضرت قدر قدرت قوی شوکت همایونی ارواحنافداه

میرزا جواد محاسب عشور

معروض می‌دارد چون از طرف ذات مقدس ملوکانه به تمام ابواب جمعی ایران اعلام شده که هر کس شکایات

یا تظلمی دید، از اعضاء اداره جات به وسیله پست مقررہ شما عرض حال خودش بدهد جداً رسیدگی می شود بر حسب آن اعلام منتشره که موجب خورسندی عموم ملت ایران گردیده اکنون این بنده حقیر فقیر میرزا جواد فسائی لازمه خودم دیدم که عرض حالم کماکان به خاکپای جواهرآسای آن ذات مقدس برسانم. تقریباً چهل سال متمادی پدرم و خودم محاسب عشور^۲ تریاک فسا بودیم. در این مدت انواع خدمات به دولت نموده عشور یک من سی شاهی به یک تومان منتهی نموده یک من دوپست دینار از محل عشور محض مدد معاش عده بیچاره سالها مقرر و رعایت می شده حضرت آقای قوام یا آقای ذوالقدر هم کاملاً اطلاع دارند. امساله هم امورات [؟] و هم حقوق معینه در این موقع به واسطه عدم بضاعت و عرصه تنگی ناچار شده که درخواست از مصدر جلال و ذات مقدس ملوکانه ارواحنا فدا نموده که امر و مقرر شود این یک من یک عباسی حقوق چندین ساله اداره مالیه میذول فرمایند که در این زمستان سیاه تلف نشویم. حمد خدا را از حسن نیت و بروز عقاید حقه آن ذات پاک فطرت سرتاسر مملکت عموماً در رفاه و آسایش هستند، این بنده ضعیف حقیر فقیر هم از مراحم ملوکانه راحت شوم.»

نکته جالب توجه آن که نویسنده نامه از روی ادب، به رسم گذشتگان نام خود را در زیر سطر اول نامه نوشته است نه این که امضا کرده باشد که «خود را بزرگ دیدن» تلقی می شده. محاسب عشور به معنای نگه دارنده عشور یعنی در یک دولت از مقدار تریاک زارع است. این محاسبین اندک درآمدی از این کار داشته اند کما این که نویسنده این نامه و پدرش که از تریاک منی سی شاهی تا منی یک تومان در این خدمت بوده اند در پایان کار منی چهارشاهی (یک عباسی) درآمد داشته اند. غرض از قوام همان قوام شیرازی میرزا ابراهیم خان است که قبلاً نصرالدوله لقب داشته و پسر میرزا حبیب الله خان است. ابراهیم خان پنجمین قوام (قوام الدوله) شیرازی است که پدر نخستین شوهر اشرف خواهر شاه سابق بود و سناتور و اما ذوالقدر همان شیخ محمد تقی ذوالقدر وکیل فارس است که شایع بود زیادی به جهتی از جهات تیمور تاش هر دوره او را از فارس وکالت می بخشید

شیر و خورشید

ریاست وزرا

نمره عمومی ۹۰۴۸

مسئول پاکنویس فتحی

تاریخ ثبت ۵ برج بهمن ۱۳۰۶

کارتن ۱۶

بلدیة طهران

عرض حال صنف قهوه چی راجع به شکایات از تضییقات مأمورین بلدیة در مسئله منع استعمال تریاک لغاً ارسال شد. اصولاً تصدیق دارم که باید تدابیری اندیشید که استعمال تریاک در مملکت تدریجاً تقلیل یابد و بلکه به مرور ایام این عادت مضر و مهلک از این کشور رخت بریندد. لیکن انجام این منظور تدریجی الوصول است و باید با تطبیق مقتضیات و مراعاتهای لازمه از معتادین و همچنین ملاحظه حال صنفی که از این راهها اعاشه می کنند باشد. بنابراین قدغن نمایید تسهیلاتی در کار تقاضای صنف قهوه چی به عمل آورند که به طرز معیشت آنها هم سکنه وارد نشده و مجبور به ترک کسب و بیکاری نشود.

۲۸/۱۰/۶

امضاء (ظاهراً همایون سیاح)

متأسفانه «عرض حال صنف قهوه چی را» نیافتیم هر چند که می توان حدس زد. زیرا در قهوه خانه هم تریاک فروخته می شد هم کشیده می شد. بدین معنی که وسائل کار از منقل و وافور و سیخ و انبر و تریاک موجود بوده و مانع مقفود و جای هم که فصل به فصل می رسید. بدین ترتیب عوائد قهوه خانه ها از این راه تأمین می شد و الا جای تنها کمتر می خوردند و بالتیجه قهوه خانه عایدی چشمگیری که بتواند قهوه چی و شاگردش را بچرخاند نداشت. بنابراین مقدمات می توان حدس زد که عرض حال قهوه چیان گله از جمع شدن بساط منقل و سختی زندگی و تنگی معیشت قهوه خانه داران در شرایط «بی منقلی» و استدعای مهلتی دیگر بوده که ازین ستون به آن ستون فرج است. نامه هم لابد با خط خوش و انشاء خوب بوده زیرا عنوان نامه که در دست است با خطی خوش

نوشته شده با کلماتی در حد اعلا محترمانه و حتی تملق آمیز بدین گونه که در مقام منبع و موقع رفیع کارگزاران (کارگزاران) هیئت معظم وزرای عظام دامت عظمتهم العالی شرف افتتاح پذیرد (پذیرد).

آرم بلدیہ

بلدیہ تهران

۱۰۵۸۷

مورخه ۱۷ بهمن ۱۳۰۶

ضمیمه یک

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت عظمتہ

در جواب دستخط ۹۰۴۸ متضمن عرض حال صنف قهوه‌چی در خصوص منع استعمال تریاک با نهایت احترام معروض می‌دارد که به طوری که حضرت اشرف مستحضر است کشیدن تریاک و اعتیاد به این سم مهلک خانمان برانداز از مدتها قبل بین طبقات مختلفه اهالی این مملکت شیوع کامل پیدا نموده چنانچه از طرف اولیای محترم امور اقدامات فوری جدی دربرداشتن این عادت مذمومه نشود عن قریب عموم اهالی را مبتلا نموده و عواقب وخیم آن که عبارت از فقر و فاقه و امراض گوناگون و تکدی و تنبلی و غیره است در سراسر مملکت شایع خواهد بود. نظر به این مراتب، بلدیة تهران بنا بر پیشنهاد اداره صحیه و معاونت عمومی که همواره در صدد ترویج حفظالصحة عمومی و نجات دادن اهالی از چنگال امراض مختلفه است در مقام جلوگیری از شیوع استعمال این سم مهلک برآمده مقدمه در سه سال قبل پیشنهادی تهیه نموده است که از لحاظ حفظالصحة عمومی و شئون ملی بدو از کشیدن وافور در قهوه‌خانه‌ها و امکانه عمومی جلوگیری به عمل آید تا بعد با مساعدت مخصوصه اولیای محترم دولت اقدام اساسی در منع استعمال تریاک به عمل آید. پیشنهاد مذکور در تاریخ میزان ۱۳۰۳ از طرف بلدیة تقدیم مقام منبع ریاست وزرای وقت شده و به تصویب بندگان اعلی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی ارواحنافداه رسیده است و همان طور که مرقوم فرموده بودند من باب رعایت حال معتادین و داشتن مهلت و فرصت جهت ترک آن توسط این مؤسسه به وسیله اعلان در تاریخ اول خرداد ۱۳۰۴ شرحی به عموم معتادین اخطار مدت نه ماه مهلت داده شد که در عرض مهلت مذکور این عادت را متروک دارند. ضمناً برای رعایت حال معتادین و خلاص نمودن آنها از این عادت حُب ترک تریاک مؤثری از طرف صحیه بلدیة تهیه شد که در تحت نظر اطبای صحی ما دستورات لازمه مجاناً به تقاضا کنندگان تسلیم گردید و فعلاً هم هر کس مراجعه نماید از حب‌های مذکور مجاناً داده می‌شود. ولی در نتیجه تقاضای مکرره قهوه‌چیان و معتادین به جای سه ماه قریب به دو سال اجرای این امر به عهده تعویق ماند تا اول هذمه السنه که به طور نزاکت شروع به اقدام شده است. با توجه به عرایض فوق تصدیق خواهند فرمود که بیش از حد لزوم برای اجرای این امر از طرف بلدیة مساعدت و رعایت شده و تقاضای صنف قهوه‌چی دایر به تمدید مهلت بی‌مورد و نتیجه نخواهد داشت غیر از تولید معتادین و بدبختان جدید و عقیده جماعت مذکوره این است که در مقابل روزی دوقران فایده خانواده و عائله‌ای را بیچاره فقیر، مریض و سرگردان نمایند.

در خاتمه من باب مزید استحضار خاطر محترم معروض می‌دارد مابین یک هزار الی یک هزار و پانصد نفر فقرا که در این چند ساله هنگام زمستان از طرف بلدیة جمع آوری شده‌اند بیش از سه ربع عدده آنها معتاد به استعمال تریاک و شیره تریاک و سایر مشتقات آن بوده‌اند و عموماً در اثر ابتلای به این سم از شعل و کاسبی خود بازمانده مشغول تکدی و ولگردی شده بودند. در این صورت مستدعی است امر و مقرر فرمایند در جواب عرض حال مذکور به جماعت قهوه‌چی شدیداً اخطار شود که باید با کمال جدیت از مصرف تریاک در قهوه‌خانه‌های خود و سایر امکانه عمومی جلوگیری نمایند و این مسئله ابداً ارتباطی با کسب آنها نخواهد داشت و از طرف بلدیة نیز تاکنون جلوگیری از کسب احدی نشده است. بلدیة طهران مترصد و آرزومند است که از طرف اولیای محترم امور در سایر شهرهای ایران نیز اقدام در جلوگیری از استعمال تریاک به عمل آید.

۵/۱۱/۰۹

در جواب عریضه قهوه‌چی‌ها به همین قسم اخطار شود.

شیر و خورشید

ریاست وزرا

تاریخ پاکنویس

آقایان صنف قهوه‌چی

تاریخ تحریر ۲۲ برج بهمن ماه

تاریخ ثبت ۲۲ برج بهمن ۱۳۰۶

در جواب عریضه شما در خصوص منع استعمال تریاک از طرف بلدیہ اشعار می‌دارد که شرح لازم به بلدیہ نگاشته که در صورت امکان مهلتی برای اجرای این امر منظور دارند. اینک بلدیہ اظهار می‌دارد که این استعمال چندین مرتبه به عمل آمده و بلدیہ هم پذیرفته و دیگر موردی برای استعمال جدید باقی نمی‌ماند و تجدید استعمال فائده ندارد و بالاخره نمی‌توان برای یک امر ضروری حیاتی افراد مملکت این اندازه مهلت داده شود. چه آن که البته خودتان از مضار مهلکه این سم قاتل و خانه‌برانداز بخوبی مسبوق هستید که هر کس که به این بلیه دچار گردد چه عواقب وخیمی را برای خود و خانواده خود تهیه نموده است. وجداناً خود آقایان قهوه‌چی‌ها باید ساعی باشند که با کارکنان بلدیہ در اجرای این منظور کمک و مساعدت بفرمایند. بنابراین تقاضای استعمال موردی نداشته و باید بر طبق دستور بلدیہ رفتار شود.

امضا (ظاهراً) همایون سیاح

۶/۱۱/۱۲

شیر و خورشید

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

نمره کتاب ۶۸۴ سنه ۱۳۰۷

از شیراز به تهران نمره قبض ۵۹۷۵ نمره تلگراف ۴۰ عدد کلمات ۲۲۹ تاریخ اصل ۴، [۵] تاریخ وصول ۵/۵ [۱۳۰۷] اسم گیرنده هاشم

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه کپیه حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکتہ [!] عالی کپیه وزارت جلیله مالیه، آقای آقا سید یعقوب نماینده محترم فارس قانون انحصار تریاک که از تصویب مجلس مقدس به طور برقی گذشت عن قریب با این وضعیات رشتہ ثروت و دارائی ملت را هم مثل برق معدوم خواهد کرد. ماها بنکدارهای شیراز، امساله به واسطه آفت وارده بر حاصل تریاک، تریاک گران وارد شیراز کرده‌ایم. استدعا داریم همان طور که در تبصره ماده ششم تسهیلاتی برای معاملات کسانی که با خارجه دارند قائل شده‌اند تسهیلاتی برای معدوم نشدن استطاعت ما قائل شوید یا امر بفرمائید که از روی دفتر تجارتي که ماها تریاک وارد کردیم در هذه السنه مؤسسه انحصار از ما خریداری کنند یا آن که امتداد مدتی به ماها بدهند که تریاک خود را به قسمی که خسارت متوجه ماها نشود به دیگری بفروشیم. بدیهی است که گذشتن هر قانونی از مجلس برای جلوگیری از خسارت ملت مدتی مهلت منظور بوده، حال هم استرحاماً، عطف توجهی به ما بیچارگان بفرمایید.

امضا: اکبر لاری، علی محمد توتونچی، عزیز توتونچی، توتونچی اقتصادی شمس، حسن سیستانی، خلیل بوشهری، نظر لاری، طالبان کمازرونی، مصلائی میرحبیبی، غلامحسین عطار، ملک کمازرونی، ایروانی فیروزآبادی، عطاران، اقتصاد بازرگانی، کتیرایی، مختاری، ابوالحسن تریاکچی، کریم، ابراهیم، مصطفی، عبدالرحیم تولکی، صادق توتونچی، حسن جلال، مصطفی اسلامی.

مهر: آرشیو کابینه ریاست وزراء

شیر و خورشید

وزارت مالیه

مؤسسه انحصار دولتی تریاک

مهر: آرشیو کابینه ریاست وزراء

اداره محترم کابینه ریاست وزراء عظام

با اعاده عین عرض حال بی امضا، که طی $\frac{۲۲۷۱۹}{۷/۶/۳}$ به وسیله وزارت جلیله مالیه به این مؤسسه ارسال گردید محترماً اشعار می دارد:

چون قیمت تریاک بر طبق ماده ۱۴ نظامنامه موقتی اجرای قانون انحصار تریاک مصوبه جلسه هشتم مرداد ۱۳۰۷ هیئت وزرای عظام که عین آن ذیلاً درج می شود:

ماده ۱۴ - مؤسسه انحصار دولتی تریاک مکلف است کلیه لوله های موجوده تریاک بی باندرل و دارای باندرل ۳۱ شاهی را به قیمت یک من (۶۴۰ مثقال) به سی و پنج تومان در نقاطی که زراعت تریاک می شود و ۳۷۰ تومان در ولایاتی که فاقد زراعت تریاک می باشد خریداری و وجه آن را به اضافه قیمت باندرل ۳۱ شاهی نقداً بپردازد.

معلوم و معین گردیده لذا نسبت به این گونه اظهارات و تقاضاهای واصله نمی توان تأثیری داده و مخالف مقررات اقدامی نموده برای هر نقطه قیمت مخصوص قائل شد.

امضا صهبا رئیس کل مؤسسه انحصار دولتی تریاک

بوشهر به تاریخ ۲۴ آبان ۱۳۰۷

عریضه به خاک پای جواهر آسای اعلی حضرت شهر یاری ارواح فدا

با کمال ادب و احترام معروض می داریم تجارتخانه های چاکران قبل از تصویب قانون انحصار تریاک هر کدام مقداری تریاک با تجار خارجه معامله و کترات نموده ایم و پس از تصویب قانون انحصار، دو نفر از رؤسای تجارتخانه برای ارائه اسناد و کتراتها به طهران آمدند و در همان اوقات به خاک پای مبارک تشریف حاصل و مورد مراسم ملوکانه واقع گردیدند. تاکنون که قریب چهارماه است در طهران هستند و علاوه از این که از نبودن آنها در بوشهر خسارت زیادی به تجارتخانه های چاکران وارد آمده هنوز از طرف وزارت جلیله مالیه جواز معافی به آنها داده نشده و همین قسم در طهران معطل هستند. مؤسسه انحصار با تحقیقات کامل تصدیق به صحت معاملات نموده است. ولی وزارت جلیله مالیه جواز نداده و معاملات چاکران دوچار وقفه و موجب خسارت غیرقابل تحمل شده است.

از اعلی حضرت همایونی که یگانه پدر تاجدار همه ماها هستند و دقیقه ای از رعیت پروری غفلت نمی فرمایند، استدعای چاکران این است که امر ملوکانه صادر فرمایند که وزارت مالیه زیاده بر این آنها را در طهران معطل ننموده و جواز صادر فرماید. چاکران در این معاملات که نموده ایم فقط مبلغ جزئی در حدود حق العمل معمولی تجارتی منظور داشته ایم و تا کس (۱۰) قدیم صندوقی یکصد و پنجاه تومان هم می پردازیم و چنانچه بنا شود که تا کس جدید صندوقی پنجاه تومان بر معاملات که سابق کرده ایم تحمیل شود - گذشته از این که جزئی فایده ای که عاید می شود از بین می رود و خسارت هنگفت هم متوجه این چاکران می گردد - یقین داریم اعلی حضرت همایونی راضی نخواهد بود که به یک عده تاجری که در جایی مثل بوشهر زحمت می کشند و موجبات صدور مال التجاره ایران را فراهم و عایدات خزانه دولت را زیاد می کنند ضرر و خسارت وارد شود. چاکران هیچ پناهی جز ذات اقدس همایونی نداریم و انتظار مراسم ملوکانه را داریم.

ظل عاطفت خسروانه بر مفارق انام مستدام و لایزال

چاکران: حاج محمد رضا کازرونی و مهر: حاجی سید محمد رضا کازرونی و پسران، بوشهر ۱۳۴۷، حاج

محمد باقر بهبهانی و مهر: حاج غلامعلی و حاج محمد باقر بهبهانی بوشهر دوردور مهر با حروف لاتینی وسط مهر ناخواناست و درست نگرفته.

در پایان نامه، مهر ورود به کابینه مستشار انحصار دولتی تریاک شماره ۸۲۶۴ تاریخ ۷/۱۰/۲۳ در کنار ورقه فی ۷-۱۰-۲۲ / وزارت جلیله مالیه کابینه وزارت مالیه ۷/۱۰/۲۲، ۴۵۸۳۵، چند نفر از رؤسای تجارتخانه خود را به طهران فرستاده‌اند که جواز معافی تریاک اینها داده شود چهار ماه است مالیه آنها را معطل کرده.

۲۷/۹/۷

کابینه محترم ریاست وزراء

۷/۱۰/۲۲

مؤسسه انحصار تریاک

به تاریخ ۱۳۰۷/۹/۵

شیر و خورشید

نمره ۳۶۷۴۳

وزارت مالیه

مقام منیع ریاست وزراء عظام

مرقومه محترمه نمره ۵۳۱۸ راجع به آقایان حاج سید ابوالقاسم کازرونی و حاج محمدرضای بهبهانی موضوع معامله تریاک و معطلی آنها، شرف وصول داد. جواباً خاطر محترم را مستحضر می‌دارد که مؤسسه انحصار تریاک مدتی است نسبت به تقاضای آقایان اظهار عقیده و موافقت کرده است و این جانب استحضار هیئت محترم دولت را در این موضوع لازم دانسته و علت تأخیر همین بوده است. (و به خط دست - نه ماشین تحریر - اضافه شده: چون از جریان هیئت وزرا خاطر محترم مستحضر است دیگر توضیح را زاید می‌دانم).

مهر وزارت مالیه

مهر: ورود به کابینه هیئت وزرا بتاریخ ۷/۹/۵ به شماره ۵۷۳۲/ به عرض می‌رسد / آرشیو کابینه هیئت وزرا نمره

۱۰- ۶/۳- ۴

به تاریخ ۱۳۰۸/۱۰/۲۳

شیر و خورشید

ضمیمه ۱

کابینه ریاست وزراء

نمره ۸۶۲۰

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام و دامت شوکته

سواد یک طغرا تلگراف شکایت آمیز که از گلپایگان به نظمیه مخابره شده لغاً تقدیم و ضمناً معروض می‌دارد: اداره نظمیه مرکز و نظمیه‌های ولایات و وظیفه سنگینی را عهده دارند که با قلت مأمورین بایستی شب و روز اوقات خود را صرف انتظامات بلاد و امنیت محل و آسایش اهالی بنمایند، از طرفی تمام اجرائیات دوایر دولتی نیز به عهده مأمورین نظمیه است که آن هم اغلب اوقات مأمورین را مصرف داشته و بسا می‌شود که از وظائف مختصه خود باز - می‌مانند. البته تصدیق خواهند فرمود با وضعیت و توسعه فعلی شهر طهران که دو برابر سابق شده و ایجاد خیابانها و کثرت نفوس و واردین و خارجین شهر و ازدیاد وسایط نقلیه که مراقبت تمام آنها به عهده مأمورین پلیس می‌باشد، علاوه بر آن، دوایر جدیدالتأسیس که هر روز تقاضاهائی از نظمیه مرکز و ولایات دارند که با قلت مأمورین ولایات و ضیق بودجه انجام آن برای مأمورین خالی از اشکال نخواهد بود. مخصوصاً اجرائیات وزارت جلیله عدلیه و مؤسسه انحصار که اداره نظمیه مرکز و نظمیه‌های ولایات را دچار مشکلات کرده است. مثلاً از اجرای عدلیه تقاضای اجرای حکمی را می‌نمایند که اگر مأمورین کمیساری‌های مربوط در آن تأمل نمایند موجب شکایت وزارت جلیله عدلیه می‌شود و هرگاه فوراً اجرا نمایند نظر به مقتضیات محلی و ملاحظه اشخاص شاید دوچار موانع و محظورات گردند که در این خصوص طریقه اقدام و اجرای احکام وزارت معزّی الیها نظمیه را در مضیقه گذاشته از طرفی هم اجرائیات مؤسسه انحصار از قبیل

تفتیش خانه‌ها و دکاکین و جلب و توقیف اشخاص مخصوصاً کسانی که بی‌بضاعت هستند برای چند نخود تریاک بایستی مبلغی جریمه داده یا توقیف شوند، تمام اوقات کارکنان و مأمورین نظمی را به خود مشغول داشته که از انجام وظایف قانونی بازمانده و قادر به ایفاء آن نمی‌باشند. مستدعی است عطف توجهی در این مورد فرمایند و لطمه‌ای به وظایف اساسی مأمورین نظمی وارد نگردد و بعداً به واسطه توقیف اشخاص به تقاضای مؤسسات انحصار طرف اعتراض عدلیه واقع نگردیده و اتفاقات سوئی که در حین تعقیب قاچاقچی و غیره به وجود می‌آید مسئولیت متوجه نظمی نمایند.

رئیس کل تشکیلات نظمی مملکتی سرتیپ محمد صادق کوپال مواد شرح فوق به ضمیمه مواد تلگراف از گلپایگان برای استحضار دفتر محترم مخصوص شاهنشاهی ارسال می‌شود.

مهر: کابینه ریاست وزرا

حواشی: کابینه ریاست وزرا ۲/ک ۱۲/۵ ضبط شود/ معلوم نیست مقصود از ارسال این شرح به دفتر چه بوده است/ گویا فقط برای اطلاع دفتر مخصوص ارسال شده است.

شیر و خورشید

تشکیلات کل نظمی مملکتی

اداره کابینه

نمره ۲۳۲۵۶

مقام منیع ریاست محترم وزراء عظام دامت شوکته

در تعقیب معروضه نمره ۲۳۱۴۱ مربوط به تقاضاهای دوایر دولتی در مرکز و ولایات از نظمی و قلت مأمورین و ضیق بودجه اینک از نظمی اصفهان به وسیله تلگراف راپورت می‌دهند که حد وسط مستنکفین جریمه قاچاق که در محبس بایستی توقیف شوند بیست نفر است و هیچ محلی برای خارج محبوسین مزبور باقی نیست و نظیر این تلگراف که سواد آن لفاً تقدیم می‌گردد، از پاره‌ای نظمی‌های دیگر رسیده و می‌رسد که اداره نظمی را دچار مشکلات کرده است. بعلاوه مطابق راپورت اداره پلیس مرکز مجرمین انحصار مرکز در صورتی که بی‌بضاعت باشند یا از تأدیة وجه جریمه استنکاف نمایند، به دستور شفاهی رئیس کل انحصار یا یادداشت کتبی رئیس ایالتی به امضای صاحب منصب پلیس که مأمور اجرائیات انحصار است برای مدت معینی برای توقیف به محبس اعزام می‌دارند و چون این اقدام مخالف قوانین جاریه و ممکن است تولید مسئولیت برای صاحب منصب مزبور و اداره پلیس فراهم نماید همچنین تقاضای اجرائیات انحصار تریاک و دوایر عدلیه روزافزون و محبوسین آنها رو به تزاید گذاشته است مستدعی است امروز مقرر فرمایند تکلیف اداره نظمی مرکز و نظمی‌های ولایات را در این قبیل موارد معین نموده و اعلام دارند که مسئولیت قانونی متوجه نظمی نشده و موجب شکایت نظمی‌های ولایات نگردیده رفع نگرانی از هر حیث بشود.

رئیس کل تشکیلات نظمی مملکتی سرتیپ محمد صادق کوپال.

در حاشیه و در حقیقت در صفحه دوم نامه:

آنچه راجع به مسئولیت قانونی است اگر چه از طرف وزارت عدلیه باشد چه از طرف وزارت مالیه مسئول است و بر مجری که نظمی باشد بحثی نیست. اما در باب مخارج محبوسین آنها که چیزی دارند خودشان بدهند و کمتر واقع می‌شود که هیچ نداشته باشند و در موارد شاذ باید نظمی هر طور هست تا آخر سال تدبیری کند و از برای سال نو در بودجه پیش بینی نمایند و ممکن است با وزارت خانه مربوطه خصوص مالیه که محل قاچاق دارد مذاکره نمایند مخارج را خودشان بدهند. ۱۳۰/۸/۱۰/۲۳

زیر این شرح: ۱۳۰/۸/۱۰/۲۴ که روی مهر کم‌رنگی آمده و مهری دیگر: ورود به کابینه ریاست وزرا ۲ -

ک ۱۲/۵
۳

مقام منیع ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکتهم

در جواب مرقومه محترمه نمره ۸۷۶۴، مربوط به تقاضای انحصار تریاک در اخذ جریمه قاچاق تریاک که مرقوم فرموده‌اند، آنچه راجع به مسئولیت قانونی است، امر چه از طرف وزارت عدلیه باشد چه از طرف مالیه مسئول است و بر مجری که نظمیه باشد بحثی نیست. معروض می‌دارد نظر به این که اغلب مجرمین قاچاق را به واسطه عدم استطاعت یا علل دیگر از تأدیه وجه جریمه استنکاف داشته و ضامن هم ندارند برای توقیف به محبس می‌فرستند و چون قرار توقیف قانوناً بایستی از طرف مستنطقین و پارکه‌های محاکم صالحه باشد و بر طبق قانون هیچ کس صلاحیت حکم توقیف اشخاص را جز محاکم عدلیه و پارکه‌ها ندارند، در این موضوع ممکن است مسئولیت متوجه نظمیه شود، زیرا نظمیه فقط حق جلب و تحقیق مقدماتی دارد. حکم توقیف از عدلیه و محاکم مربوط است. این است که اغلب نظمیه‌های ولایت در این خصوص کسب تکلیف نموده و می‌نمایند. بسا می‌شود که شعبات انحصار در ولایات وصول جرایم قاچاق را جداً از نظمیه محل مطالبه می‌کنند و اغلب هم به علل فوق الذکر وجوه جرایم بلاوصول مانده و موجب شکایت مؤسسه انحصار می‌شود. مستدعی است امر و مقرر فرمایند تکلیف قانونی نظمیه را تعیین نموده و اعلام دارند که دچار مشکلات نشود.

رئیس کل تشکیلات نظمیه مملکتی سرتیپ محمد صادق کورپال

مهر: ورد به کابینه ریاست وزرا بتاریخ ۸/۱۱/۲ نمره ۸۹۰۵

مهر: آرشیو کابینه ریاست وزراء ۳-ک ۱۲ $\frac{5}{3}$

به عرض می‌رسد ۸/۱۱/۱ هیئت ۸۰/۱۱/۵ ضبط شود ۹/۲/۶

به تاریخ ۲۵ شهر رجب ۴۹ از سبزوار

مقام منیع هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم

محترماً به عرض عالی می‌رسانم در موضوع انحصار تریاک به یک نفر و از بین رفتن حقوق چندین هزار نفر که داد و ستد آن را در داخله مملکت داشته و امرار معاش می‌نموده‌اند و تریاک موجوده که گران خرید و از سال قبل واسطه اضافه شدن تاکس موجود است به فروش نرسیده به خراسان به خاک پای اعلی حضرت همایونی روحانفاده عرض حال نموده توسط ایالت جلیله محترم شرحی جواب تلگراف در تحت نمره ۱۰۵۱۹ رسید که کسانی که تریاک موجود دارند می‌توانند از اداره انحصار جواز صادر و تریاک خود را خارج نمایند که خسارت به قیمت وارد نشود. از اداره انحصار سبزوار تقاضائی جهت اجازه طیاری چونه و صدور جواز گردیده اشعار می‌دارند اجازه صدور جواز به احدی داده نمی‌شود و طیاری چونه هم هرکس مایل باشد باید از مرکز ایالتی به عمل آید. خیلی اسباب یأس گردیده با این حالت کنونی که عدم کسب و تجارت تمام مملکت را فرا گرفته و یک قلم عمده صادرات منحصر به یک نفر شده خوب است تفضلاً چاره برای تریاک موجوده فرموده و اجازه صدور به خارجه صادر که مال موجودی خود را به مصرف برسانیم. دیگر این که در موضوع طیاری چونه مؤسسه انحصار سبزوار اشعار می‌دارد در محل ممکن نیست. طبق مقررات باید در مرکز ایالتی به عمل آید. خیلی جای تعجب است که برعلیه منافع عمومی اقدام فرموده چگونه ممکن است مالی که باید به اصفهان [و] شیراز حمل شود، ۴۰ فرسخ از سبزوار به مشهد حمل شود ۴۰ فرسخ برگردد. کلی تفاوت کسری شیره، کرایه و عوارضات دیگر تحمیل می‌شود. سابقاً این طور نبود. در صورتی که در محل یا مرکز ایالتی تحت نظر مؤسسه انحصار به عمل می‌آید چه فرقی دارد و تحمیلات بی‌مورد است. با این که هیئت محترم دولت مساعی لازمه به کار

می‌برند، امکاناً امتعه داخله مناسب تمام شود که به بازارهای خارجه صرف نماید تصور می‌کنم این عدم اجازه طیاری چونه در محل برخلاف نظریات دولت محترم امروزه است. تمنا می‌شود از هیئت محترم دولت جواب مساعدی که بموجب رفاه و رفع خسارت دارندگان تریاک باشد بفرمایند که از ضرر و خسارت مال موجود آسوده شویم. تجار سبزوار: مهر

عبدالواسع العلوی، سبزوار شرکاء، محمد حسین بن سلطان، خلیل بن محمود، اصغر اسکوئی زاده ۱۳۴۵، یا ابا عبدالله ادرکنی او چند مهر دیگر که درست نگرفته و ناخواناست و نقش مهر مانند با نوشته: معتمدان سبزوار

شیر و خورشید

وزارت مالیه

مؤسسه انحصار دولتی تریاک

مراسله مؤسسه کل نمره ۲۴۹۷۵ مورخه ۱۳۰۹/۹/۱۸

شرکت سعادت و سایر آقایان تجار تریاک مشهد

در جواب تلگراف مورخه ۱۰ آذر آقایان دایر به تقاضای اجازه خروج تریاک چونه که برای صدور به خارج تهیه نموده‌اند اشعار می‌دارند که اولاً معاملات شیره و چونه در داخله مملکت آزاد و هیچگونه اجباری به فروش به شخص معین نیست و در موقع انعقاد قرارداد، نه تنها آقایان تجار مشهد، بلکه سایر آقایان تجار مملکت نیز دارای موجودی چونه بوده که اگر معاملات سلفی داشته‌اند از تاریخ نشر اعلان تا ۱۵ روز اسناد و مدارک معامله را به انحصار محل برای ارسال به مرکز و تصدیق صحت معامله و اجازه صدور تحویل داده‌اند، بنابراین اگر شما هم اسنادی داده باشید، البته پس از رسیدگی، به شما جواز داده می‌شود و الا در انجام تقاضای برخلاف اعلان معذور است و این که اظهار کرده‌اند معاملات تریاک آن حدود طوری نیست که مبادله قرارداد شود، البته در صورتی که مبادله قراردادی نشده ایجاد تعهدی هم از حیث معاملات سلفی برای شما نشده است و اگر برای تیاری چونه مخارجی کرده‌اید از بین نرفته و بر قیمت جنس شما افزوده شده است و هیچ گونه خسارتی متوجه شما نخواهد شد و انگهی برای صدور هم می‌توانید به آقای حاج امین، عامل انحصاری صدور تریاک به خارجه، مراجعه و در حدود مقررات و تعهدات ایشان وسائل خروج تریاک را فراهم نمائید.

وزارت مالیه همایون سیاح (امضاء)

سواد مطابق اصل است

؟ انواری ۱۳۰۹/۱۰/۲۷

به تاریخ ۱۳۰۹/۱۱/۲

نمره ۴۰۰۴۳

شیر و خورشید

وزارت مالیه

اداره تریاک

مقام منبع ریاست وزراء عظام

در جواب مرقومه نمره ۶۷۷۲ - ۹/۱۰/۶ متضمن مشروحه تجار سبزوار راجع به عدم صدور جواز و اجازه تیاری، خاطر محترم را مستحضر می‌دارد.

۱ - راجع به عدم صدور جواز، سواد مراسله‌ای که به نمره ۳۷۰۰۲ - ۹/۹/۱۸ به تجار خراسان صادر شده برای مزید استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می‌دارد.

۲ - نسبت به قسمت عدم اجازه تیاری، با این که رئیس انحصار خراسان که به مرخصی به تهران آمده اظهار

می نماید اجازه تباری در سبزواری داده شده مع ذلک مراتب از انحصار دولتی تریاک خراسان استعلام شد. پس از وصول چگونگی قضیه را معروض خواهد داشت. در خاتمه عین عرض حال آقایان تجار سبزواری نیز اعاده می دهد.

مهر: وزارت مالیه.

امضا

به عرض برسد ۹/۱۱/۲ جواب عارض است ۹/۱۱/۴
مهر: ورود به کابینه وزرا به تاریخ ۹/۱۱/۳ نمره ۷۵۶۸

هیئت وزرا

کمیسیون مشورتی تریاک جامعه ملل در بیست و یکمین جلسه خود لزوم تشکیل کنفرانسی را به منظور تحدید زراعت و تجارت ادویه مخدره ضروری دانسته و برای فراهم آوردن اطلاعات لازمه سئوالنامههایی به عنوان کشورها فرستاده و تقاضای جواب کرده است. گرچه بدو جواب پرسشنامه کمیته مذکور از این نظر که بالتلیجه مربوط به مواد اولیه تریاک می شد عقیم ماند و به آقای پیلوسیان نماینده فنی تریاک که سمت نمایندگی دولت شاهنشاهی را در جامعه ملل راجع به امور تریاک دارند تذکر داده شد که دولت شاهنشاهی عقیده به مشارکت در کنفرانس تحدید زراعت و یا تجارت ادویه مخدره که در سال ۱۹۳۸ منعقد می شود ندارد، لیکن آقای ورام پیلوسیان در گزارشهای ارسالی خود برای جواب دادن به سئوالات کمیته مرکزی تریاک و عذر حضور از مشارکت در کنفرانس مزبور چنین اظهار نظر داشته اند.

با حال آن که دولت شاهنشاهی قراردادهای ژنو و لاهه را تصویب ننموده و هیچگونه تعهدی که منجر به وارد کردن لطمه به وضع اقتصادی و تجاری تریاک باشد به هیچ وجه نکرده است لیکن چون از طرف دیگر نسبت به مبارزه بر علیه تریاک و تحدید زراعت و تجارت و استعمال آن، چه با وضع قوانین و مشارکت در کنفرانسهای لاهه و ژنو و چه با قبول اصول مبارزه بین المللی بر علیه تریاک و سایر ادویه مخدره همیشه در اقدامات جامعه ملل اشتراک مساعی نموده است لهذا خوش آیند نیست و نمی توان برخلاف رویه که از سال ۱۹۰۸ مورد توجه دولت شاهنشاهی در اشتراک مساعی بین المللی بود حال به سئوالنامه های کمیته مذکور که ایجاب و الزام هیچ گونه تعهدی برای دولت شاهنشاهی نمی کند جواب منفی داد.

اما راجع به عدم مشارکت دولت شاهنشاهی در کنفرانس ۱۹۳۸ ایشان معتقدند نظری را که در ماه مه ۱۹۳۶ در بیست و یکمین جلسه کمیسیون مشورتی اظهار داشته اند مبنی بر این که اطلاعات لازمه برای تشکیل کنفرانس تا سال ۱۹۳۸ تکمیل نخواهد شد همان نظر طبق دستور توسط نمایندگی شاهنشاهی در ژنو تأیید شده و به کمیته مذکور اطلاع داده شود «مادام که اطلاعات لازمه از کلیه کشورهای دارای زراعت تریاک در ادارات مربوطه جامعه ملل جمع آوری نشده دعوت کنفرانس به نظر دولت شاهنشاهی بی موقع است.

وزارت مالیه با نظریه آقای پیلوسیان، چه راجع به جواب پرسش نامه کمیته مرکزی دائمی تریاک که اصل آنها پیوست است و چه در خصوص عذر حضور از مشارکت در کنفرانس ۱۹۳۸ موافقت دارد و با تأیید نظر ایشان مراتب را گزارش نمود تا موضوع را مورد توجه قرار داده و از تصمیمی که اتخاذ خواهند فرمود وزارت مالیه را مستحضر سازند.

در خاتمه اضافه می نماید که چنانچه مستحضر می یابند علاوه بر اقداماتی که تا به حال در خصوص تحدید استعمال ادویه مخدره و زراعت تریاک چه با وضع قوانین و مقررات و چه با سایر اقدامات صحی به عمل آمده است در سال گذشته هم کشت تریاک در بعضی از ولایات ممنوع و در تمام نقاط دارای محصول محدود شده است و البته این تحدید کشت به لحاظ اشتراک مساعی بین المللی و تأمین منویات جامعه ملل حائز کمال اهمیت می باشد.

کفیل وزارت مالیه (امضاء)

شیر و خورشید

دفتر نخست وزیر

شماره عمومی ۱۳۶۱۹

تاریخ نوشتن ۱۲/۶/۲۲

تاریخ ثبت ۲۲/۶/۲۹

تاریخ پاکنویس ۶/۲۴،

وزارت دارایی

اهالی آبادان در شکایت از بسته شدن شعبات فروش تریاک و کمی میزان جیره بندی تریاک شرحی نوشته که عیناً برای رسیدگی و اعلام نتیجه به ضمیمه ارسال می شود.

نخست وزیر

امضا (؟)، امضا (؟)

۲۲/۶/۸

حضور محترم ریاست اداره نخست وزیری

با کمال احترام به عرض انور عالی می رساند این جانبان ۱۷۰۰۰۰ نفوس اهالی آبادان که اقلأً ۷۰۰۰۰ آن معتاد به بلای خانمان سوز تریاک می باشیم، اینک چند یوم است که شعبات فروش تریاک از طرف اداره دارائی بسته و شهری که دارای ۲۴ شعبه بوده الحال منحصر به یک شعبه شده صرف نظر از این، مقدار تریاکی را هم که به یک نفر شخص معتاد می دهند به مقدار نیم گرم می باشد. لابد تصدیق خواهید فرمود شخصی که مقدار مصرف تریاک روزانه اش به طور متوسط در هر یومی ۵ گرم می باشد اگر از مقدار فوق کمتر کشید عضلات بدنش سست و این سستی باعث می شود که در آن یوم از کار کناره گیری و باعث بدبختی عائله چند نفره او که کلیه فاقد دارائی می باشند می شود و علاوه بر این معتاد بودن، اهالی بیشتر به واسطه منطقه جغرافیایی و ندانستن مضرات تریاک بوده

الف - به واسطه مربوط بودن هوا

ب - به واسطه کارهای خسته کننده در شرکت سهامی نفت انگلیس و ایران

ج - به واسطه معتاد بودن اولیای ما

اینک با عطف توجه به عرایض فوق چون ما ۷۰۰۰۰ نفوس معتاد و ترک کردن آتی آن هم زیادی محال و سائل ترک آنها به علل زیر برای، غیر ممکن است:

الف - به واسطه نبودن ترک تریاک صحیح

ب - گران فروختن آن به وسیله دارو فروشها

ج - نبودن به حد امکان

د - نداشتن بودجه اضافی از خرج یومیه برای تهیه آن.

لهذا از آن مقام محترم، کلیه ما معتادین تقاضای عاجزانه می نمائیم که عطف توجهی به ما بیچارگان از دست رفته فرموده امر مقرر فرمائید که وسایل مصرف تریاک، اهالی کارگر و فقیر را فراهم و در ضمن وسائل ترک آن را هم با عایدات جزئی مهیا تا الحال خود و عائله فقیرمان از دست نرفته و بعداً هم با وسایل ممکن ترتیب نمائیم لابد از بذل توجه نسبت به ۷۰۰۰۰ نفوس از دست رفته کارگر و رنجبر دریغ و مضایقه نخواهید فرمود.

با تقدیم احترامات فائقه از طرف ۷۰۰۰۰ نفوس: محمد روشندل

مهر وزارت دارائی

مهر: ورود به دفتر اداره کل تریاک

اداره مراسلات و بایگانی

به وزارت دارائی نوشته شود ۲۲/۶/۲۰،

۱۳۶۱۹ - ۲۲/۶/۲۱

موضوع شکایات معتادین آبادان

در پاسخ نامه شماره ۱۳۶۱۹ با اعاده عین شکایت معتادین آبادان اشعار می‌دارد:
به طوری که خاطر عالی مستحضر است طبق تصویبنامه شماره ۲۳۷۱۰-۲۲/۶/۳ باید به تدریج از تریاک
مصرف داخلی کاسته شود، اخیراً بدین منظور اقدام به جیره‌بندی تریاک در تمام کشور شده و به دارائی
شهرستانها دستور داده شده است که به هر معتاد به خوردن روزی نیم گرم و کشیدن دو گرم و نیم تریاک داده شود
و در کلیه شهرستانها هم شروع به اجرا شده و عمل دارائی آبادان هم بر طبق دستور بوده و شکایت معتادین
بی‌مورد است.

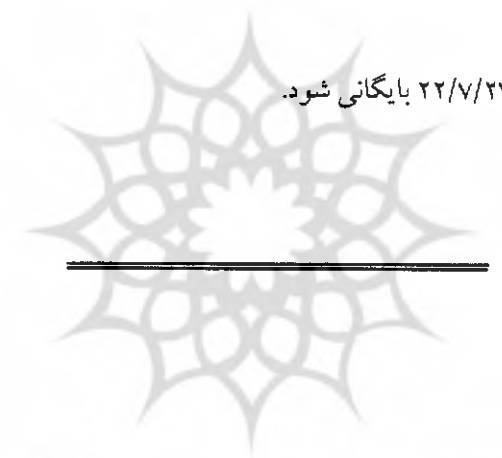
از طرف وزیر دارائی دکتر (؟)

رئیس کل دارائی میلیسپو

مهر: ورود به دفتر ریاست وزرا

۱۵۳۲۲ - ۲۲/۷/۲۰

سابقه ۲۲/۷/۲۰ آقای صدیقی ۲۲/۷/۲۳ بایگانی شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پانوشتها

- ۱- گلستان سعدی، باب اول (در سیرت پادشاهان)، ص ۲۹، چاپ نشر محمد، انتشارات امین.
- ۲- هپیون، صورت دیگری است از افیون و هر دو مأخوذ از Opium.
- ۳- احسن التواریخ حسن بیک روملو، به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۷۴.
- ۴- تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۰، ص ۸۰۴.
- ۵- برای اطلاع بیشتر، نگاه کنید به «سفرنامه تاورنیه»، ترجمه ابوترانجان نظم الدوله، ص ۹۳۳، «ایران و جهان»، عبدالحسین نوایی، نشر هما، جلد ۲، ص ۷۱۵ تا ۷۲۰ و «تاریخ تریاک و تریاکی»، حسین کوهی کرمانی، مقاله تریاک از ابوالقاسم طاهری (مجله یغما، سال ۱۳۴۵) و مقاله تریاک از محمد جعفر محجوب (مجله یغما، اردیبهشت ۱۳۴۶) و «عالم آرای عباسی» اسکندر بیک ترکمان، چاپ ایرج افشار، ۱۳۳۴، امیرکبیر، ص ۲۱۸.
- ۶- المآثر و الآثار محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، چاپ سربی از ایرج افشار، ج ۱.
- ۷- Office.
- ۸- فارسانامه ناصری، حاج میرزا حسن قسابی، چاپ سنگی، ۱۳۱۲ ه. ق. ج ۲، ص ۴۵.
- ۹- «ایران و قضیه ایران»، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، ص ۵۹۵.
- ۱۰- Taxe، به معنای قیمت، بها، عوارض، مالیات.